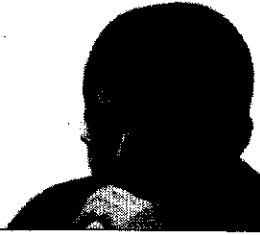


تبیین مبانی اصلاحات؛ مشخص شدن مرزها

سیدحمید سیدی



۱. انتخابات در ایران به روز انتخاب یا ایام منتهی به آن، محدود نمی‌شود. به دلایل متعدد موسم انتخابات در ایران از مدت‌ها قبل از روز انتخابات آغاز می‌شود و امواج آن تا مدت‌ها بعد از انتخابات هم در جامعه ایرانی قابل رویت است. انتخابات پیش روی ریاست جمهوری هم از این قاعده مستثنی نیست. با وجود روال دوره‌های گذشته که رییس‌جمهور دوره‌های اول، در دوره دوم هم حائز اکثریت آراء و دوره مسئولیتش هشت ساله شد، برخی بر این باورند که انتخابات ریاست جمهوری دهم می‌تواند در نظام انتخاباتی ایران یک استثنا باشد. هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان هر یک با استدلال‌های خود، چشم امید به فعل و انفعالات ماه‌های آینده دارند تا از فرصت انتخابات بهره‌برند. البته هر یک از دو گروه فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعفی دارند. در میان اصولگرایان هنوز بر سر ادامه ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، اجماعی شکل نگرفته است. شاید مهم‌ترین علت آن وضعیت نامعلوم کاندیدای اصلاح‌طلبان باشد، چرا که با اجماع کامل اصلاح‌طلبان و توافق بر سر یک کاندیدا، آن هم شخصی چون سیدمحمد خاتمی، نبرد انتخابات، سخت و نفس‌گیر خواهد شد و در این صورت اصولگرایانی که به هر علت نسبت به عملکرد دولت نهم نقد جدی دارند، بر سر مصلحت بزرگ‌تری به حمایت از رییس‌جمهور کنونی خواهند پرداخت. از سوی دیگر اصلاح‌طلبان امیدوارند با پذیرش نامزدی از سوی آقای خاتمی، با تمام قوا وارد کارزار انتخابات شوند و علاوه بر جلوگیری از تعدد کاندیداها در میان خود، محبوبیت فوق‌العاده کاندیدایشان و کارنامه دوران مسئولیت او هم مددکار شود تا فاتح انتخابات شوند.

برای اصلاح‌طلبان که پس از انتخابات شوراهای دوم، عدم موفقیت‌های مختلف انتخاباتی در کارنامه‌شان ثبت شده، انتخابات پیش رو یک فرصت استثنایی برای برون‌رفت از اوضاع کنونی است. از این رو ضمن طرح دلایل مختلفی از هیچ تلاشی برای جلب رضایت سیدمحمد خاتمی فروگذار نمی‌کنند.

نخستین صداهای دعوت از آقای خاتمی برای بازگشت به قدرت، اوایل بهار امسال شنیده شد؛ پاسخ سیدمحمد خاتمی از همان آغاز مشخص بود: "نه! یا این حال از او خواستند تا به صحبت‌های کسانی که او را به بازگشت فراخوانده‌اند گوش دهد. او هم صادقانه پذیرفت و گفت: گرچه موضع من مشخص است، اما استدلال‌های دوستان را خواهم شنید و در آن تامل خواهم کرد." پس از آن سیل دیدارها و مذاکرات شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف با سیدمحمد خاتمی آغاز شد و همچنان ادامه دارد. هر یک از گروه‌ها دلایل خود را برشمرده‌اند و از هر کرانه تیر دعایی روانه کرده‌اند با این امید که یکی کارگر شود.

همزمان با افزایش دیدارها و مذاکرات، دغدغه‌های آقای خاتمی نیز بیشتر شده است. فضای نسبتاً سنگینی که او را به حضور در انتخابات آینده دعوت می‌کند، تصمیم‌گیری خاتمی را سخت‌تر کرده است و امروز نه تنها مثل روزهای اول به صراحت نمی‌گوید، بلکه مشغول سنجیدن شرایط پیش رو است. او با طرح پرسش‌های جدی و در میان گذاشتن دغدغه‌های خود با صاحب‌نظران، توانسته است مدیریت فضای انتخاباتی را در دست بگیرد. علاوه بر آن آقای خاتمی نسبت به امر بسیار مهمی که از سال ۷۶ و ورود وی به قدرت بر زمین مانده بود، یعنی تبیین مبانی اصلاحات، همت گمارده است که باید آن را به فال نیک گرفت. وی طی سه جلسه که با حضور نخبگان، صاحب‌نظران و کارشناسان جامعه‌شناس و سیاست‌مدار برگزار شد، تعریف خود را از اصلاحات تبیین کرد تا این تعریف در آینده مبنای عمل، موضع‌گیری و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی قرار بگیرد.

۲. به عقیده خاتمی اصلاحات نه عصبی دارد که تبدیل به ازدها شود و نه ید بیضایی. بنابراین

آنانی که از اصلاحات اژدها می‌سازند اشتباه می‌کنند و اصلاحات را بزرگ‌تر از آنچه هسته معرفی می‌کنند.

خاتمی در این نشست‌ها گفت: «اصلاحات هم در نظر و هم در عمل دارای رسالت است. در عرصه نظر رسالت اصلاحات عبارت است از بازسازی ذهن اجتماعی و تاریخی جامعه، به گونه‌ای که بتواند خود را به عنوان "ملت" باز یابد و قادر باشد در عرصه حیات سرزمینی، منطقه‌ای و جهانی به طور فعال حضور داشته باشد. از لحاظ عملی، آنچه من از اصلاحات درک می‌کنم، اصلاحات حرکتی در جهت درمان دردهای مزمن و کهنه جامعه از یک سو و دردهای جدید و تازه آن از سوی دیگر است. دردهای مزمن و کهنه ما ریشه تاریخی دارند، باید آن‌ها را شناخت و سپس درمانشان کرد. بخشی از دردهای جدید هم ناشی از شرایط داخلی، خارجی و تحمیل‌هایی است که بر جامعه وارد شده و می‌شود. در میان دردهای مختلفی که در جامعه وجود داشته است بخصوص اگر از لحاظ اجتماعی نگاه کنیم سه درد شاخص و بارز، بویژه از ۱۵۰، ۲۰۰ سال گذشته قابل لمس، درک و تشخیص است: درد استبداد - که تاریخی هم هست - درد استعمار و وابستگی و سلطه بیگانه بر سرشت و سرنوشت کشور و منطقه و درد عقب‌ماندگی. به دنبال این دردها، سه خواست متناظر و متناسب یعنی آزادیخواهی، استقلال‌طلبی - و در کنار آن مبارزه با بیگانه و سلطه ستیزی - و پیشرفت و عدالت‌خواهی به وجود می‌آید البته متقدم اگر آن سه شرط تحقق یابد، عدالت هم محقق می‌شود. در مقام عمل، اصلاحات ناظر بر درمان دردهای جامعه است؛ البته می‌توان فهرست بلندی از دردها تعریف کرد، باید به جای استبداد، آزادی، به جای وابستگی، استقلال و به جای عقب‌ماندگی، پیشرفت قرار گیرد و در همه مراحل عدالت در جامعه برقرار شود.»

خاتمی در بخش دیگری از سخنانش ضمن تأکید

بر اهتمام به مقتضیات زمان گفت: «اصلاحاتی که نتواند زمان خود را درک کند و ریشه‌های مسائل زمان را بشناسد، موفق نخواهد بود. درک مقتضیات زمان و رهایی از غفلت‌زدگی و توهماتی که جامعه ما را غافل کرده است و جامعه ما به علل مختلف تاریخی، سیاسی، بین‌المللی و روانی دچار آن است، شرط جهش و تحرک جامعه ملست و تلاش برای رهایی جامعه از غفلت‌زدگی تاریخی و غفلت‌زدگی معاصر، کار بزرگی است که اصلاحات انجام می‌دهد.»

خاتمی با بیان این که مهم‌ترین نقطه اشتراک انسان‌ها، اقوام و جوامع، خاطره مشترک است و دین مهم‌ترین عامل خاطره مشترک جمعی در جوامعی مانند جامعه ما و به یک معنا تمام جوامع بشری است، گفت: «اصلاحات به امر دین اهتمام فراوان دارد. هر حرکت اجتماعی از جمله اصلاحات نمی‌تواند با دین مردم که در عمق وجود آن‌ها هسته بیگانه باشد. حرکت اصلاحات به این معنا یک حرکت دینی است و شاید یکی از رموز ناکامی روشنفکران بریده از دین - که گاه حسن نیت هم داشتند و واقعا استقلال و آزادی را می‌خواستند - و منشاء اثر نشدن آن‌ها در تاریخ ما، همین مشکل باشد که نتوانستند با مردم تماس برقرار کنند. اصلاحاتی که ما می‌گوییم، این است که اگر مردم‌سالاری، جامعه مدنی، پیشرفت و توسعه می‌خواهیم، راه رسیدن به این‌ها از مسیر دین می‌گذرد. در جوامعی مانند جامعه ما، بخصوص با داشتن دین بزرگی مانند اسلام، اگر حرکت آزادی، استقلال و پیشرفت همسو با حرکت خواست دینی جامعه باشد، موفق می‌شویم.»

خاتمی گفت: «مردم‌سالاری یک تقدیر الهی و فرمان تاریخی برای جامعه ماست که برای ملت در این برهه خاص تاریخ صالر شده است و برآمده از وجدان بیدار و آگاه جامعه است و نیز مقتضای روح زمانه ماست. اصلاحات بر مردم‌سالاری پافشاری می‌کند و خواستار شناخت و رفع موانع

ذهنی و عینی آن در جامعه ما است. انبوه خطابه‌ها، توصیه‌ها، احکام قرآنی، احکام دینی، توصیه‌های عقلانی، شرعی و بخصوص اجتماعی، نشان‌دهنده این است که دین و یا دست کم اسلام، نسبت به سرنوشت اجتماعی انسان بی‌تفاوت نیست؛ یعنی علاوه بر اعتلای جان آدمی که هدف غایی دین است، دین خواستار جامعه مطلوب انسانی است و راه ما با توجه به مسائلی که توضیح داده شد، از همین جا از لایسیته و سکولاریته جنا می‌شود.»

خاتمی با انتقاد از مورد سوء استفاده قرار گرفتن دین گفت: «این سوء استفاده یا از جهل، تعصب ظاهربینی و عادت‌زدگی کسانی بوده است که ادعای متولی‌گری دین را داشته‌اند و یا ناشی از خو، روش و منش خودکامگان مستبدی بوده است که از دین برای تحکیم استیلا و سلطه خود سوء استفاده کرده‌اند. این سوء استفاده‌ها وجود داشته است اما می‌خواهم بگویم این مساله هیچ ربطی به حقیقت و جوهر دین ندارد، بلکه از دین سوء استفاده شده است. دین خواستار بکارگیری خرد در همه عرصه‌هاست و پاسدار کرامت انسان و حقوق اساسی اوست.»

خاتمی از «عدالت» به عنوان یک نهاد و سازوکاری که نظم اجتماعی در متن آن سامان می‌گیرد و روابط اجزای جامعه را با یکدیگر تعیین می‌کند یاد کرد و افزود: «مردم‌سالاری ابزار مناسب شکوفا کردن عدالت که محور دعوت انبیاست خواهد بود. در عرصه حیات اجتماعی انسان آیا حقی بالاتر از حق حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش وجود دارد و در این عرصه راهی مناسب‌تر از مردم‌سالاری برای تأمین این حق و احقاق آن سراغ دارید؟ و آیا از دیدگاهی که دین و اسلام به عدالت دارد به شکل بسیار ساده مردم‌سالاری بیرون نمی‌آید؟ بسیار جفاست که عدالت الهی و جوهری دین خدا را در عدالت اقتصادی خلاصه کنیم.»

خاتمی در بخش دیگری از سخنانش با برجسته

کردن محور اخلاق در مبانی اصلاحات گفت: "معتقدم که جامعه مدنی، مردم‌سالاری، توسعه و عوامل دیگر که از اهداف اصلاحات است در متن جامعه اخلاقی معنای ویژه خود را پیدا می‌کند. جامعه‌های اخلاقی است که منش و روش افرادش ناشی از بصیرت انتخاب و اراده آزاد آن‌ها باشد. هر جا اجبار و تحکم وجود داشته باشد، در آن جا اخلاق نیست. در جامعه‌ای که جباریت بر او حاکم است نمی‌توان نشانی از اخلاق در آن یافت. اخلاق تنها در جامعه‌ای خواهد بود که رفتار، روش و منش همه افراد- اعم از حاکمان و مردم- ناشی از رضایت باشد." خاتمی گفت: "رضایت از پایه‌های مهم مردم‌سالاری است. نمی‌توان از عدالت و اخلاق دم زد، ولی در عمل تبعیض، بی‌عدالتی، فقر، فحشاء، محروم شدن انسان و پرداختن هزینه برای تامین آزادی در جامعه وجود داشته باشد. عدالت و اخلاق باید در قوانین و مقررات تجلی پیدا کنند؛ به یک معنا به آن سخن استاد شهید مطهری برمی‌گردیم که می‌گفت جامعه در صورتی عادلانه خواهد بود که عدالت و من می‌افزایم اخلاق، در سلسله علل احکام و مقررات قرار گیرد. اگر ما مدلی از دموکراسی و مردم‌سالاری را در نظر بگیریم که در آن سهم همگان در عرصه سرنوشت و مشارکت کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت است و نیز محور بودن حق، انصاف عدالت و شفقت در متن آن لحاظ شود، می‌توانیم شاهد پدید آمدن نوعی مردم‌سالاری اخلاق‌گرا، انصاف‌مدار، عدالت‌محور و انسان‌دوست باشیم که نه فجایع نظام‌های جبار، خودکامه و تمامیت‌خواه را داراست نه عیوب دموکراسی‌های نخبه‌گرا را و نه خشکی، بی‌اخلاقی و اخیانا بداخلاقی مدل‌های جدید دموکراسی."

خاتمی در ادامه گفت: "آنچه مراد من از مردم‌سالاری است و معتقدم جنبش اصلاحات بر آن پا می‌فشارد و باید بشمارد چند پایه قوام و مقوم دارد که اگر لحاظ شوند مردم‌سالاری

هست و اگر لحاظ نشوند، مردم‌سالاری هم نیست. یکی این که در مردم‌سالاری قدرت متمرکز، برآمده از رای و رضایت مردم و پاسخگو در مقابل آنان است. دوم این که مردم به عنوان قدرت منتشر که قدرت متمرکز، نمایندگی آن‌ها دارد، همواره ناظر بر رفتار و کارکرد قدرت متمرکزند و از او مسئولیت می‌خواهند. سوم؛ می‌توان قدرت را بدون توسل به زور جایجا کرد. لوازم تحقق محوره‌های فوق هم عبارتند از: آزادی اندیشه آزادی بیان، آزادی اجتماعات و بخصوص آزادی اقتصاد از قدرت متمرکز بدون این که هزینه‌ای داشته باشد."

خاتمی در پایان با تأکید بر پای‌بندی و التزام به قانون اساسی گفت: "قانون اساسی مینا و بنیاد نظم اجتماعی، برآمده از رای مردم و در همه حال تحت نظارت مستقیم و غیرمستقیم مردم است و سازوکارهای تغییر آن بر اساس نیازهای زمانی ما در دل آن موجود است. در عین حال نباید در زمان‌های کوتاه دچار تغییر شود، معتقدم همین قانون اساسی موجود حد نصاب‌های لازم را برای تامین نیازهای مردم دارد و دارای ظرفیت‌هایی است که به هر علت مورد عنایت واقع نشده و یا کامل و درست انجام نگرفته است. آن چه در این مرحله اهمیت دارد، یافتن راهکارهای مناسب برای مبنای عمل قرار گرفتن قانون اساسی است. همین قانون اساسی می‌تواند خواست تاریخی ملت یعنی استقلال، آزادی و پیشرفت را محقق سازد. سوال اساسی این است که آیا روح دموکراتیک این قانون اساسی در جامعه ما جاری و ساری است یا نه؟"

۳. فراتر از حضور یا عدم حضور آقای خاتمی در رقابت انتخاباتی آینده اتفاق مهمی که در عرصه سیاست‌ورزی در ایران رخ داده آن است که جریان اصلاحات به یک سرمایه اجتماعی و گفت‌وگو مسلط در جامعه امروز تبدیل شده است. از همین روست که در شرایط کنونی اگر آمیدی به تحول و پیشرفت و برون‌رفت از وضعیت فعلی وجود

دارد، جریان اصلاحات نقش مهمی در این تغییر ایفا می‌کند. پس از گذشت ۱۱ سال از واقعه دوم خرداد و ایام پرفراز و نشیب و آکنده از بیم و امید اصلاحات، سیدمحمد خاتمی که به حق نماد اصلاح طلبی دهه اخیر است با تعریف اصلاحات و تعیین حدود و ثغور آن، می‌تواند نقش تاریخی خود را به کمال برساند و دوران تازه‌ای را در جنبش اصلاحی نوید دهد. هنوز هیچ کس از پاسخ نهایی خاتمی خبر ندارد، آیا صداهای ضعیفی که در روزهای اول به گوش رسید و پژواکش آهسته‌آهسته در فضای انتخاباتی پیچید و قدرتش هر روز بیشتر شد، به فریادی رسا در انتخابات آینده تبدیل خواهد شد یا بغضی فروخورده در گلو باقی خواهد ماند؟ پاسخ خاتمی، چه مثبت باشد و چه منفی، آنچه اهمیت بیشتری دارد، دغدغه‌هایی است که این روزها ذهن هر اصلاح طلبی را به خود مشغول کرده و در راس آن سیدمحمد خاتمی را به تامل بیشتر واداشته است. آقای خاتمی پس از آن که به تبیین مبانی اصلاحات پرداخته و مرزهای خود را مشخص نموده ما را با سوالات مهمی روبرو ساخته است. از جمله: "آیا می‌توان بدون ورود به قدرت، اصلاحات را در جامعه و کشور نهادینه کرد یا برای پیشبرد اصلاحات در جامعه و ایجاد تغییرات ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی لزوماً باید در قدرت نیز حضور داشت؟ همچنین باید پرسید که ما چه تأثیری در روندها به نفع آرمان‌های انقلاب و مصالح و خواست مردم می‌توانیم داشته باشیم؟ حال چه با ورود به قدرت و چه خارج از آن. همچنین باید ببینیم که در ایران امروز چه گروه‌هایی مرجعیت دارند؟ روحانیان، روشنفکران، سیاستمداران و دیگر گروه‌های اجتماعی به چه میزان در این جامعه نفوذ دارند؟ و برای افزایش مرجعیت هر یک از این گروه‌ها چه می‌توان کرد؟ و مهم‌تر از این که چه کسی بهتر است نامزد انتخابات شود، این است که چگونه باید بیاید؟ و بر فرض پیروزی در انتخابات، چه برنامه‌ای باید داشته باشد و اساساً در شرایط کنونی با ورود به قدرت چه کارهایی می‌تواند بکند؟"

"آیین" که خود را از تبار اصلاحات می‌داند، کوشیده تا در این شماره پاسخ‌هایی در خور این سوالات بیاید، در عین حال چشم دارد که این دغدغه‌ها با یاری متفکران و صاحبان تجربه و نظر، آفق‌هایی را برای فردای اصلاحات ترسیم کند، ان شاءالله.